

عفت کلام



ممیزی جلوی ترویج فحشا را می‌گیرد

«اشاعه» در لغت یعنی چیزی را شیوع دادن و منظور از فحشاء، رفتار یا گفتاری است که قباح و زشتی آن‌ها بسی بزرگ و آشکار است...

جایگاه عفت کلام در روایات اسلامی

ممیزی جلوی ترویج فحشا را می‌گیرد

«اشاعه» در لغت یعنی چیزی را شیوع دادن و منظور از فحشاء، رفتار یا گفتاری است که قباح و زشتی آن‌ها بسی بزرگ و آشکار است؛ اما معنای اصطلاحی اشاعه فحشاء این است که هر کار یا فعلی که گناه و معصیتی را در جامعه و در میان آحاد مردم ترویج دهد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، اخلاق در دین مبین اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که پیامبر اعظم(ع) در ذیل حدیثی هدف از رسالتش را احیای کمال اخلاق می‌داند: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»؛ به راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شدم و قرآن کریم نیز در این رابطه به بهترین نحو از اخلاق رسول اکرم(ع) یاد می‌کند: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ».

طبیعی است که اسلام در همه زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی خواستار اشاعه اخلاق باشد و پیروانش را از هر گونه بی‌عفتی برحذر می‌دارد، بی‌شک ورود اخلاق در حیطه افکار و عقاید مردم از اهمیت خاصی برخوردار است و هر گونه نوشتاری که قصد بر هم زدن عفت کلام را داشته باشد بر نمی‌تابد، وجود آیات و روایات مختلف در رابطه با این موضوع خود گویای این امر است.

آنچه که امروز در قالب ممیزی کتاب در محدوده نوشتاری مطرح می‌شود، همان توجه ویژه به اشاعه اخلاق اسلامی در جامعه است، گاهی در برخی از کتب مشاهده می‌شود که نویسندگان از به کار بردن الفاظ رکیک و نامناسب خلاف عفت عمومی و ترویج افکار و عقاید باطل در نوشته‌هایشان ابایی ندارند، به منظور بررسی بیشتر در رابطه با اهمیت عفت در محصولات فرهنگی مکتوب به برخی از آیات و روایات رجوع می‌کنیم و از زاویه عفت کلام در گفتار و نوشتار به آن می‌نگریم، البته ناگفته نماند در روزگار ائمه معصومین(ع) با توجه به شرایط زمانی آن دوران، بیشتر به بحث عفت کلام در گفتار توجه داشتند که به نوعی این کلام آن بزرگواران در نوشته‌های مکتوب هم مصداق دارد.

*عفت در کلام

عفت از ریشه (عَفَ فَ) است، راغب اصفهانی در معنای این واژه می‌گوید: «العفة حصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبة الشهوة... و اصله الاقتصار على تناول الشيء القليل الجاري مجرى العفافة والعفة ای البقية من الشيء او مجرى العفوف و هو ثمر الاراک» (معجم مفردات الفاظ القرآن)؛ عفت بروز حالتی برای نفس است که به واسطه آن از چیرگی خواسته‌های نفسانی (شهوت‌ها) جلوگیری می‌شود، ریشه این واژه در بسنده کردن بر چیز اندک نهفته است که یا از عفاقه و عقه به معنای ته مانده چیزی است و یا از عفف است که میوه گیاه تلخ و شور مزه است.

معنای توسعه یافته «عفت» در امور نفسانی به کار رفته است، به این معنا که نفس در بهره‌مندی از خواسته‌هایش به آنچه عقل و شرع حکم می‌کند، بسنده کند و از آن منحرف نشود، شاید از همین رو، عالمان علم لغت، عفت را به معنای بازداشتن معنا کرده‌اند.

کلامی عفیف است که از نظر محتوا و شیوه بیان همراه با عفت باشد و آوا و آهنگ صدا- یا نوشتار- به گونه‌ای باشد که ادب و عفت را رعایت کند، به این آیات توجه کنید: «يَا نِسَاءَ الْتَبِينَ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَحْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب، 32)، «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَزَّيْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْتُمْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا» (بقره، 235)

در این آیات علاوه بر کیفیت سخن گفتن با نامحرم به محتوای کلام که باید «قول معروف» باشد، اشاره شده است، علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌گوید: منظور از قول معروف آن سخنی است که شرع و عرف اسلامی آن را بیپسندد و آن سخنی است که تنها مدلول خود را برساند. (طباطبایی، ج 16، ص 309)

سید قطب هم در تفسیر «قول معروف» بیان می‌کند: «قول معروف یعنی اینکه سخن آن‌ها در امور معروف و نیک باشد نه منکر

و زشت مانند شوخی کردن و ...» (سید قطب، ج 5، ص 2859) پس می‌توان این گونه گفت که از دیدگاه قرآن هر گونه کلامی که همراه با ناز، غمزه و تغییر صدا باشد و زمینه گناه را فراهم کند، ممنوع و از حوزه عفت خارج است، حال این کلام می‌خواهد در گفتار باشد یا در نوشتار.

عفاف دامنه گسترده‌ای دارد که محدوده‌های متفاوتی را پوشش می‌دهد که عبارتند از عفت در فکر، عفت در نگاه، عفت در معاشرت، عفت در زینت، عفت در کلام و عفت در حجاب که اثراتی نظیر استحکام خانواده، پاکی نسل انسان، آرامش روانی و تمرکز حواس و سلامت جامعه و فرد را به همراه دارد.

و اما عفت کلام عبارت است از پیراستن کلام از آنچه که در عقل و شرع ممنوع است و برای زبان و کلام آفت شمرده می‌شود، به عبارت دیگر، عفت کلام، یعنی خویشتن‌داری در به کارگیری گفتار ناشایست.

بعد از معنای واژه عفت و بیان محدوده و اثرات آن در ادامه به برخی از پارامترهای گفتارهای خلاف عفت کلام اشاره می‌شود:

*دشنام

«فحش» عبارت است از اظهار کردن امور زشت و قبیح با الفاظ و عبارت صریح و بیشتر اوقات به وسیله الفاظ وقاع (آمیزش) و متعلقات آن به کار می‌رود و اهل فساد آن واژگان را به صراحت بیان می‌کنند و نیک گفتارها متعرض آن‌ها نمی‌شوند، بلکه اگر احساس ضرورت کردند به کنایه و با رمز به آن‌ها اشاره می‌کنند.

در قرآن کریم در خصوص برخی مسائل نظیر قضای حاجت، نزدیکی و ... با کنایه سخن می‌گویند که نشان از توجه قرآن و سیره بر عفت کلام دارد و این راه را بهتر از به کار بردن الفاظ مستهجن و رکیک می‌داند، پس به طور قطع همه الفاظ فحش ممنوع و مذموم و گناهش بیشتر است، حال می‌خواهد به عنوان دشنام و اذیت و آزار باشد یا در مقام شوخی و مزاح یا به عنوانی دیگر.

*دشنام در احادیث و روایات

در متون و منابع غنی اسلامی و روایات ائمه معصومین (ع) صحبت رکیک، فحش دادن و عدم عفت کلام بسیار مذمت و نهی شده است:

پیامبر اکرم (ص): «ایاکم و الفحش؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَا يَحِبُّ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ»؛ از دشنام‌گویی بپرهیزید، زیرا خدای عزوجل ناسزاگوی بد دهن را دوست ندارد.

پیامبر اعظم (ع): «مَا كَانَ الْفَحْشُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانَهُ وَلَا كَانَ الْحَيَاءُ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانَهُ»؛ زشت‌گویی (و زشت کرداری) هرگز در چیزی نبود، مگر اینکه آن را عیناک گردانید و شرم و حیا هرگز در چیزی نبود مگر اینکه آن را آراست.

امام علی (ع): «أَسْفَهُ السُّقَهَاءِ الْمُتَبَجِّحُ بِفَحْشِ الْكَلَامِ»؛ نابخردترین نابخردان، کسی است که به دشنام‌گویی افتخار کند.

امام علی (ع): «الْفَحْشُ وَالتَّفَحُّشُ لَيْسَا مِنَ الْإِسْلَامِ»؛ دشنام دادن و بد دهنی (یا دشنام شنیدن) از اسلام بدورند.

امام باقر (ع): «إِنَّ اللَّهَ يَبْغِضُ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ»؛ خداوند شخص ناسزاگوی بد دهن (یا دشنام شنو) را دشمن دارد.

امام صادق (ع): «إِحْفَظْ لِسَانَكَ عَنْ حَبِيثِ الْكَلَامِ»؛ زبان خود را از بیان کلمات زشت و رکیک محافظت کن.

امام صادق (ع): «مِنْ عَلَامَاتِ شَرِكِ الشَّيْطَانِ الَّذِي لَا يَشْكُ فِيهِ أَنْ يَكُونَ فَحَّاشًا لَا يَبَالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ فِيهِ»؛ یکی از نشانه‌های شریک شیطان که تردیدی در آن نیست، این است که شخص دشنام‌گوی باشد و باکی نداشته باشد که چه گویند و چه شنود.

*اشاعه فحشاء از طریق گفتاری و نوشتاری

«اشاعه» در لغت یعنی چیزی را شیوع دادن و منظور از فحشاء، رفتار یا گفتاری است که قباح و زشتی آن‌ها بسی بزرگ و آشکار است؛ یعنی قبح و زشتی نزد شرع و عرف زشتی‌اش معلوم و مشخص است، اما معنای اصطلاحی اشاعه فحشاء این است که هر کار یا فعلی که گناه و معصیتی را در جامعه و در میان آحاد مردم ترویج دهد.

در قرآن کریم تنها گناهی که حتی دوست داشتن آن ولو اینکه به منصفه ظهور و بروز نرسد، دارای عذاب بوده و وعده عقاب درباره‌اش داده شده است، همین گناه اشاعه فحشاء است، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آن‌ها در دنیا و آخرت است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید. (نور: 19)

با این وجود وقتی کسی گناهی را برای افراد دیگر نقل می‌کند، قباح و زشتی گناه در نظر مردم کم کم زایل می‌شود و حفظ ظاهر جامعه از آلودگی‌ها -که خود سد بزرگی در برابر فساد است- با اشاعه فحشاء و نشر گناه شکسته می‌شود و این سد شکسته شده، گناه را کوچک می‌کند و آلودگی به آن را ساده می‌سازد و به مسأله‌ای رایج و عادی تبدیل می‌شود تا اینکه منجر به گناهان علنی می‌شود، رسول خاتم(ص) در این رابطه می‌فرماید: «من اذاع فاحشة كان كمبتدئها»؛ کسی که کار زشتی را نشر دهد، همانند کسی است که آن را در آغاز انجام داده است.

بنابراین مطابق با روایات دینی هر کس گناهی را در جامعه نهادینه سازد، هر زمانی که کسی مرتکب آن شود، وی نیز در عقوبت آن شریک خواهد بود، پس ترویج عمل خلافی عفت و اشاعه فحشاء در نوشته‌های مکتوب علاوه بر اینکه عواقب جبران ناپذیری برای نویسنده آن در دنیا و عقبی خواهد داشت، می‌تواند پایه‌های اخلاق اسلامی را در جامعه به لرزه در آورد که این گناه نابخشودنی است.